

# چپ ضد امپریالیست و جماعت نظریه پردازان پلاستیکی

مجید پهلوان

www.majidpahlavan.com

نسلی جدید و تازه نفس از چپ در حیات سیاسی ایرانیان ظهور نموده است. از ویژه‌گی‌های آن یکی هم موضع قاطع و رسمی آنها علیه علم داران مذهب و بویژه تفکر شبان - رمه است. این چپ با دسترسی به منابع خارجی و بواسطه یک انقلاب انفورماتیک قادر شده است تا از برترین و جدیدترین بحث‌ها و مسایل سیاسی مطرح در چهارچوب اندیشه چپ اروپایی-امریکایی باخبر شود. درست برخلاف شرایطی که نسل قبل از آن گرفتارش بود. نسلی که حتی خواندن کتاب شعری وردویدل یک رمان اورا روانه شکنجه‌گاه‌های ساواک و کمیته مشترک مینمود. نسلی که از نتایج بی توجهی خود به اسلام سیاسی مطلع نبود. نسلی که کم خواننده ولی دیدی تحلیلی داشت، نسلی جدا شجاع و با تهور و دلیر. اکنون مختصات تعریف یک نیروی چپ نمیتواند جدای زندگی اندیشه و تلاش او برای شناسایی مناسبات سرمایه داری برتر باشد. این چپ جدید به غایت روبه دموکراسی و سکوی پرش او باور و آرزوی یافتن فضایی دموکرات است تا بر چنین بستری سازماندهی عمومی خود را درون طبقه و سعت بخشد که طبقه در خود بی فایده و باید در جهت طبقه برای خود حرکت نمود. این چپ در عین حال از مشکلات راه باخبر و نشسته بر تجربیات نسل گذشته نه تنها ضد امپریالیست بلکه نقدکننده مناسباتی بنام سرمایه داری است و سخت به محدودیت‌های دموکراسی از نوع بورژوازی آن واقف است. من این چپ جدید و نسل نو مبارزین چپ را نیک شناخته بر محدودیت‌های آگاه ولی افق تلاش و تحولات آن را امیدوارکننده میدانم.

\*\*\*\*\*

در میان صفوف کارگران آگاه و تشکلاتی که در چهارچوب گسترش دید اتحادیه‌ها و سندیکاها آزاد و مستقل عمل میکنند هستند روندهایی که همبستگی‌های نزدیک با سایر زوایای جنبش اجتماعی چون زنان و دانشجویان یا معلمان و پرستاران بیکاران و حاشیه نشینان شهری دارند. ویژه‌گی‌های نوشته شده در این مطلب شامل حال و تقدیر از این پیش روان کارگری میشود و من سخت به آنها امیدوار.

\*\*\*\*\*

در مقابل این نسل اما که صدای بوق‌هایی هم در جهت تخریب نقطه نظرهای انقلابی آنان شنیده میشود که مخرج مشترک همه آنها این برچسب قابل قبول و مورد مباحث ماست، برچسب چپ ضد امپریالیست! با گفتن و نوشتن به منظور زدن نسل نو چپ واژه ترکیبی چپ ضد امپریالیست از سوی بوق‌های قدیمی و همکاران جدید آنها چون اصلاح طلبان مذبذب شنیده میشود. که در کنار هجوانه‌هایی چون مهرنامه و... به زندگی آمیبی خود ادامه میدهند و در جهت اصلاح بربریت موجود تلاش میکنند. به موازات آنها هستند چپ‌هایی که پشت متون معتبر و کلاسیک مارکسیستی قایم میشوند و به تخطئه تلاش چپ انقلابی از طرفی و چشمک به اصلاح طلبان از سوی دیگر مشغولند. این جماعت با طرح مسائلی کاملاً سرگرم کننده نظری و به صورت پلمیک‌های بی پایان با

خودشان و رو به آئینه نه تنها تلاش‌های انقلابی پیش کسوتان مادر صفوف چپ انقلابی را تخطئه میکنند بلکه وبدون شک انرژی عظیمی از صفوف چپ مبارزه را به شوره زار بحث‌های بی پایان وبدون هیچگونه اثر اجتماعی خاص میبرند. درست مانند علم کردن بحث عصر و دوران توسط دفتر سیاسی حزب کمونیست شوروی که به حزب دست آموز خود (نوده) ابلاغ شد که اکثریت به وکالت برادر بزرگتر روغن روی آن ریخت! در زمانی که رژیم با ایجاد واحدهای شکار و ترور و ضربت علیه انقلابیون کوچک به کوچه و شهر به شهر بدنبال مبارزین چپ بود این بحث به غایت ارتجاعی وبدون نتیجه کلی از انرژی اقلادنه جوان چپ را گرفت. که با رونویسی از روی دست آنها هم اکنون برخی که دیر به منابع معتبر مارکسیسم رسیده اند چنان اسب آنها را برداشته که نمیدانند دامن زدن به ایجاد و گسترش این اسباب بازیهای تئوریک چگونه سبب سرگرمی بعضی‌ها میشود. عجب اینکه کارهای اغلب این دانشمندان که خود خوانده مارکسیست، زنان و مردانی که مطرح شدن و چهره سازی از خود انگیزه برترین آنهاست و اغلب کارهای آنها در تهران چاپ و پخش شده است. در محلی که انتشار ملایم ترین قصه وداستان و شعر غیر دولتی با سه و سکندر سانسور وبگیر و ببنده عس روبرو میشود!

\*\*\*\*\*

میتوانیم رد این جماعت را از همان زمان طوفان ترورهای رژیم اسلامی به سالهای ۶۰ خورشیدی بگیریم. استاد خود خوانده‌ای که انقلاب مداوم تروتسکی را زمین گذارد و شبانه روز به ریش مبارزین جوان که مقابل دستگاه ترور و سلطه جمهوری اسلامی سینه سپر کرده بودند میخندیدند. آن یکی هم که فقط یک انقلاب سوسیالیستی را در برنامه تک نقره و سازمان بی عضو خود داشت و میخواست که در ممسنی و کهکیلویه و بویراحمد انقلاب سرخ سوسیالیستی برقرار نماید! از شاگردان و هممنفس‌های همانها امروز در مقام مورخ و استاد تاریخ در دانشگاهها، فیلسوف و جامعه شناس شاغل در مراکز مربوطه میگویند که اصلاً ایران دارای ویژه‌گی یک جامعه سرمایه داری نیست و اساساً چیزی بنام طبقه سرمایه دار در آن نضج نگرفته و تولید نشده و نبالیده است! این جماعت نرم تن وجود طبقات را منکر میشوند و خود هم نمیدانند که بحث‌های مفید و آکادمیک آنها ربطی به ما و نه ربطی به شرایط ایرانیان ندارد و همانطور که بی ریشه آمده بدون خبر هم ناپدید میشوند. و به طریقی فلسفیدن سیاسی ویژه کارهای آکادمیک را این بار برای سرکوفت زدن به مبارزین برگزیده اند!

\*\*\*\*\*

یک نسل نوین چپ از دل اجتماع ایران سربرون آورده. این چپ با دسترسی به منابع لازم دانش خود را در حوزه‌های ضروری افزایش داده. برخی آشنا به یک زبان اروپایی دست به ترجمه آثار مفید بین رفقا هم زده اند. آنها در آذربایجان و کردستان جنوب و شمال و شرق و غرب مملکت با معضلاتی جهت سازماندهی هسته‌های حتی مطالعاتی روبرویند که جماعت الاف و پرحرف و کم کار اساساً خبری از آن ندارند. آنها چون پزشکان بسیار تحصیل کرده و مجرب هستند که دانش و تجربه خود را در اختیار سازمان پزشکان بدون مرز یا Doctors Sans Frontiers میگذارند. چون در بیغوله‌ها مشغول نجات جان مردمان هستند دلیل بیسوادی و بی خبری آنها از علم روز و تجربه و تکنیک لازم نخواهد بود. اتفاقاً بهترین‌ها دست به چنین خدماتی میزنند چرا که علم خود را در اختیار جنبشی مردمی انقلابی و انسانی قرار میدهند. درست چون انقلابیون چپ که دانش و فعالیت خود را چنان به روز و مردمی و قابل فهم عموم میکنند که جدا یک موی تن آنها به بدن گنده‌گوهای وطنی و یا ساکن دهلزهای تودرتوی مراکز دانشگاهی و فکرنابارهای غرب نیست. مطرح نمودن ناسزایی (ماقبول داریم) چون چپ ضد امپریالیست خود را به تئوری بافی‌هایی از نوع عدم حضور

طبقه سرمایه دار در ایران گره میزنند و انقلاب مدام حضرات نحس و ضعف کننده تروتسکی ها به انقلاب سوسیالیستی آن دیگری مرده به سالیان دراز (از تئوری بافتن خسته شد!) میرسیم که جز تلف کردن انرژی نسل جوان چپ چیز دیگری تولید نکرده و نمیکند.

\*\*\*\*\*

داشتن انصاف انقلابی در مطرح نمودن ادعاهای تئوریک امری ضروری و سنگ محک انسان فرهیخته بودن است. مناسفانه جماعت نامبرده با خواندن هر کتاب جدید و منبع اغلب منتشره در اروپا و آمریکا شمالی سریع نسخه جدیدی برای مردم فلک زده روستاهای بی آب و شهرهای پاسدار زده ایران میبچند نسخه های که مرتب تاریخ مصرف تمام میکنند چرا که حضرات با خواندن اثری جدید در منبع قبلی هم تجدید نظر میکنند چرا که در جریان عمل و تلاش انقلابی نیستند. که اساسا جز در حرف اعتقادی به سازماندهی طبقه و تشکیلات انقلابی برای رویارویی با دشمن تا دندان مسلح ندارند. که اگر هم کوچک تلاش هایی هنوز علیه رژیم کارگش برقرار است باز همان چپ ضد امپریالیست است که چراغ باور به پیروزی و دنیای بهتر را روشن نگه داشته است.

\*\*\*\*\*

در خانمه ضروری است که بنویسم من خود بیش از سه دهه گذشته در معتبرترین مراکز علمی آمریکای شمالی تحصیل و پژوهش کرده ام و مشتاق پلمیک های راه گشا. من در مبارزه انقلابی کشورم فهمیدم که پیش کسوتان سیاسی من هرگز تئوری را برای تئوری بافتن انتخاب نکرده اند و همواره اندیشه را برای مسلح نمودن کارگران و برای خودشان بکار بردند. این جماعت فضل فروش امروزه دیر به بازار مطالعه و حضور دانشگاهی در غرب رسیده اند و در کارشان انصاف انقلابی نیست و بیشتر مشغول تدوین موضوعات "سرکاری" هستند.





















